

فتحعلی شاه و زنه‌های صیغه‌ای

فتحعلیشاه زنه‌های صیغه خود را مطلقه میکرد و آنها را به حبالهٔ نکاح درباریان در می‌آورد.

یکی از زن‌های ناصرالدین شاه که تا مسکو همراه او رفته بود بعقد حاج حسین فرش فروش اصفهانی درآمد.

ناظم خلوت گستاخانه به ناصرالدین شاه گفت چرا یکی از صیغه‌های خود را بمن نمیدهید.

مؤلف تاریخ عضدی یعنی احمد میرزا عضدالدوله میگوید :

«خاقان مغفور گاهی یکی از زن‌های صیغه را طلاق میدادند و او را به ازدواج درباریانی که مورد لطف بودند در می‌آوردند .

امان‌الله خان اردلان والی کردستان والیه دختر فتحعلیشاه را برای خسروخان پسرش خواستگاری کرد و خاقان با این تقاضا روی موافق نشان داد . پس از اینکه امان‌الله خان از حضور شهریار قاجار برای تهیه جشن عروسی اجازه مرخصی خواست خاقان گفت فی‌امان‌الله ... و سپس یکی از خادمان حرم سلطنت را طلاق داد و او را با جواهر و اثاث و تجمل و غیره به امان‌الله خان والی التفات فرمودند .

اغلب اوقات از حرم خانه به اشخاص محترم این قبیل التفاتها میشد کما اینکه محمد صادق خان گروسی هم چنین استدعائی کرد و خاقان یکی از زوجات را با جواهر آلات و تجملات ممتاز بعقد او درآوردند و حسن علی خان امیر نظام گروسی ثمره همین ازدواج است .»

لزوماً تذکر داده میشود که خان ملک ساسانی در صفحه ۲۴۷ « یاد بود های

سفارت استانبول « اسم پدر حسن علی خان را حبیب الله خان ثبت کرده که البته اشتباه فاحش است .

عضداله میگوید « اعتبار عیسی خان و ذوالفقار خان و مطلب خان دامغانی و طایفه آنها به مرتبه‌ای رسیده بود که شبی خاقان مرحوم یکی از خواجه سرایان را برای مطلبی نزد ذوالفقار خان فرستاده بودند بعد از مراجعت پرسیدند سردار چه میکرد ؟ عرض کرد تنها نشسته مشغول خوردن شراب بود فرمودند چهار نفر از زنانی را که جزء عملیه طرب هستند الان مطلقه کردم با تمام جواهر آلانی که دارند خودت پیش ذوالفقار خان برده بگو شاهنشاه فرمودند روا نمیدارم بر تو بد بگذرد حال که مشغول میگساری هستی بنا بر مضمون .

اسبی که صفیرش نرنی می نخورد آب

نه مرد کم از اسب ونه می کمتر از آب است

این چهار زن مطربه بتو بخشیده شد که اسباب ولوازم عیشت مهیا باشد.

ناصرالدین شاه نیز به پیروی از خاقان گاهی به این قبیل عملیات مبادرت

میورزید : محمد حسن خان اعتماد السلطنه در ذیل وقایع ذی حجه ۱۳۱۰ خاطرات خود می نویسد :

« آقا علی امین حضور میگفت امروز به شاه عرض کردم که رسم پدر وجد شما این بود که غالباً یکی از زوجات خودشان را به نو کرها می بخشیدند . شما اگر یکی از صیغه‌های پیر خودتان را بمن بدهید چه ضرر دارد که در اسفار با حرم خانه حرکت کند و در سراپرده جلالت باشد و شبها به چادر من بیاید ؟ شاه فرمودند مضایقه نداشتم ولی از نوش خانم زوجه حالیه تو خجالت میکشم .

مادام دیولافوا فرانسوی در سفرنامه خود که بوسیله آقای علیمحمد فره وشی

(مترجم همایون) بزبان فارسی ترجمه شده است میگوید «در اصفهان شنیدم که زیبا خانم همسر حاج حسین فرش فروش اصفهانی واقعاً اسمی با هسمی دارد و درزیبائی شهره آفاق است . چون زیباخانم سابقاً یکی از صیغه‌های ناصرالدین شاه بود من به دیدار و ملاقات او کمال اشتیاق را داشتم و از خانم خواهی یوسف ارمنی تقاضا کردم که موجبات چنین امری را فراهم نماید .

پس از ملاقات با زیبا خانم با خود گفتم ای کاش که خوشبختی و افتخار و زهر دستی نقاش ماهر و یا حجار هنرمندی را داشتم تا بتوانم چنین نمونه‌ای را مدت مدیدی در مقابل نظر قرار دهم و از تماشای اولدت ببرم . من نه تنها محورزیبائی و جمال زیبا خانم شده بودم بلکه هوش فوق العاده و صفات ممتاز و جملات شیرین و عبارات دلنشینی که در صحبت بکار میبرد و اشارات مخصوص و حرکات سر و دست او نیز بر شیفتگی من می افزود .

باری زیبا خانم به صحبت پرداخت و از خوش بختی زمان گذشته که در نزد شاه بوده داستانهائی گفت . از مسافرت‌های شاه به اروپا خاطراتی داشت زیرا که او هم با دونفر از زنهای سوگلی حرم تا مسکو همراه شاه بوده است و بسی اظهار تاسف میکرد که به امر شاه مجبور شده است از مسکو به ایران باز گردد ... در مراجعت از اروپا شاه پس از پیاده شدن از کشتی شب را در قصر سلطنتی انزلی (بندر پهلوی) واقع در ساحل دریا بسر برد و پیش از آنکه خورشید غروب کند روی به همراهان کرده و آنها را به شهادت طلبیده گفت . این منظره و این آب و آفتاب را نگاه کنید آیا در تمام این کشورهائی که مسافرت کردید سرزمینی به قشنگی مملکت ایران مشاهده نمودید؟ همراهان گفتند خیر قربان با وجود این شاه از مسافرت به فرنگستان و اوضاع شهرهای بزرگ آن جا به نیکی یاد میکرد و برای اینکه یادگاری از این

مسافرت طولانی خود باقی بگذارد امر کرد که گوی بزرگی از طلا بسازند و از تاج کیانی و تاجهای شاهان پیش جواهری از قبیل یاقوت و زمرد و لعل و غیره بردارند و از دریاها و جبال و دره‌ها و شهرهای بزرگ که در مسیر او واقع بوده نقشه‌ای در روی آن ترسیم کنند و برای نشان دادن قشنگ ترین پایتخت‌ها بهترین الماس‌ها را در آن نصب نمایند .

من پرسیدم ، خانم آیا شما هم این کره را دیده‌اید ؟

- بلی این کره چند روزی در نزد انیس الدوله بود و ما آنرا تماشا میکردیم و انیس الدوله شاه را ملامت میکرد که چرا این همه جواهر گرانبها را بیهوده بمصرف رسانیده است .

از زیبا خانم پرسیدم چه شد که شما با این همه زیبایی از دربار سلطنتی کناره گردید ؟ گفت نظر به این که حاج حسین خدمات زیادی به ناصرالدین شاه کرده و کارهای مهمی برای شاه انجام داده بود شاه هم بعنوان پادشاه مرا به ازدواج او درآورد و من هم از بخت خود از این بیش آمد شکایتی ندارم . نصیب و قسمت این طور بوده است . بعلاوه حاج آقا هم مرد خوبی است و بی اندازه مرا دوست دارد و یکی از خوش بختی‌های من فعلا این است که حاجی غیر از من زن عقدی دیگری ندارد .

بی مناسبت نیست یاد آوری شود که سفر نامه مادام دیولافوا قبل از فره وشی بوسیله محمدحسن خان اعتماد السلطنه به فارسی ترجمه شده که نسخه خطی آن در کتاب خانه ملی موجود میباشد و آقای ایرج افشار ضمن ذکر آثار اعتماد السلطنه در مقدمه خاطرات او آنرا از قلم انداخته‌اند .

مرحوم عبدالله مستوفی راجع به کره‌ای که زبیاخانم برای مادام دیولافوا شرح

داده است چنین مینویسد :

« از یکی از پیشخدمتهای شاه شنیدیم که مظفرالدین میرزا ولیعهد بطهران آمده بود . روزی به خدمت شاه رسید شاه کراهی که از جواهر ساخته بود به پسرش نشان داد و در ضمن به او گفت امسال ما مبلغی از جمع و خرج کشور علاوه داشتیم مقداری جواهر پیاده و طلاهم از خزانه بیرون آورده با آن پول و این جواهر این کره را ساخته ایم .

من این کره جواهر را ندیده‌ام اما مطابق آنچه شنیده‌ام اقیانوسها و دریاهاى آن از فیروزه و هریک از پنج قطعه آن از یک رنگ جواهر و حدود کشورها از جواهر رنگ دیگر بسیار زیبا بوده است . ولی وقتی در دوره مشروطه خواسته‌اند جواهرات سلطنتی را برای فروش تقویم کنند جواهرات این کره را پیاده و علیحده حفظ کرده‌اند و کره بی جواهر آن هم در گوشه‌ای افتاده و بعدها جواهر و طلاى آن جزو جواهرات پشوانه اسکناس تحویل بانک ملی شده است »

لارد کرزن در سفر نامه خود کره جواهر مورد بحث را چنین توصیف میکند:

« قبل از خروج از موزه لازم است خصوصیات پاره‌ای از نقایس بی نظیر موزه سلطنتی

ایران را به تفصیل توضیح دهیم . *رتال جامع علوم انسانی*

اول کره جواهر ، این کره را به امر ناصرالدین شاه ساخته‌اند . خود کره از زرناب ساخته شده و ۷۵ کیروانکه وزن آنست و ۵۱۳۶۶ قطعه جواهر گوناگون به وزن ۳۶۵۶ گرم در ساختن آن بکار برده‌اند که تخمیناً یک میلیون لیره ارزش دارد . بقدری سنگهای قیمتی آن درخشنده است که چشم را میزند و پیدا کردن اماکن جغرافیائی را مشکل میسازد .

در این کره مرصع دریاها از زمرد ، افریقا از یاقوت سرخ ، هندوستان از یاقوت کبود ، ایران از فیروزه ، انگلستان و فرانسه از الماس متشکل گردیده است .